



دین از نگاه دورکین

مؤلف: خدیجه رضایی قادی

رضایی‌قادی، خدیجه، ۱۳۵۶ -	:	سرشناسه
دین از نگاه دورکیم / مولف خدیجه رضایی‌قادی.	:	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر تنزیل، ۱۳۹۳.	:	مشخصات نشر
۹۶ ص.	:	مشخصات ظاهری
۷۰۰۰۰ ریال: ۱-۰۵-۹۴۷۶۵-۶۰۰-۹۷۸	:	شابک
فیبا	:	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه: ص. ۷۸.	:	یادداشت
دورکیم، امیل، ۱۸۵۸ - ۱۹۱۷ م. - دیدگاه درباره دین	:	موضوع
دین و جامعه‌شناسی	:	موضوع
HM۴۷۹ ۱۳۹۳ ۹۶/د	:	رده بندی کنگره
۳۰۱/۰۹۲۴	:	رده بندی دیویی
۳۶۲۶۲۹۶	:	شماره کتابشناسی ملی



دین از نگاه دورکیم

خدیجه رضایی قادی

چاپ اول

تابستان ۱۳۹۳

۷۰۰۰ تومان

چاپ ترانه

صحافی تیرگان

۷۰۰ نسخه

شابک: ۱-۰۵-۹۴۷۶۵-۶۰۰-۹۷۸

مقدمه

۴

فصل اول: مفاهیم

۹

دین

۹

ماهیت دین

۱۷

دین، واقعیت اجتماعی

۲۱

ویژگی‌های دین

۲۵

فصل دوم: سرچشمه دین از نگاه دورکیم

۲۸

سرچشمه دین

۲۸

مفهوم توتم

۲۹

مفهوم وجدان جمعی

۳۶

نظریه جوشش اجتماعی

۴۱

کارکرد دین

۴۸

دین و آرمان پردازی جمعی

۴۸

نیرو بخشی دین

۵۹

مناسک دین

۶۸

فصل سوم: آینده دین

۷۳

آینده دین در جامعه مدرن

۷۳

وجدان جمعی در جامعه مردن

۷۶

کارکرد دین در جامعه مدرن

۷۸

فردگرایی در جامعه مدرن

۷۹

رابطه دین و اندیشه پردازی در جامعه مدرن

۸۲

فصل چهارم: جمع‌بندی و نقد و بررسی

۸۵

کتابشناسی و منابع

۹۵

مقدمه

آگوست کنت (۱۷۹۸ - ۱۸۵۷) بر این باور بود که جهان از مراحل الهی و مابعد الطبیعی می‌گذرد و به دورهٔ اثباتی می‌رسد. در این دوره است که انسان باورهای خرافی را به کناری می‌نهد و به جای نسبت دادن رویدادها به چیزهای موهوم، در اندیشهٔ یافتن سرچشمهٔ اصلی رویدادها برخواهد آمده کنت که بر باور داشت دین و باورهای دینی به کنار می‌رود، پس از مدتی به این نتیجه رسید که اصل دورهٔ اثباتی خلأ معنویت خواهد بود. بنابراین، وی به ساخت دینی نو اقدام نمود. آن دین پوزیتیو بشری نامید. دینی که هدفش پرستش انسان به معنای پرستاری از بشر خدمت به نوع آدمی است.

به درستی که جهان مدرن به مرحلهٔ اثباتی رسید و عقل، آن‌ها را حمل ابزاری و صوری را ملاک دآوری و زندگی قرار داد. اما آن‌چه پیش آمد همانی بود که کنت می‌پنداشت. زندگی عقل گرایانه محض از معنویت و روح خالی شد. عقل ملاک همه چیز قرار گرفت و نه عقلانیت ارزشی که وبر از آن نام می‌برد. با این شرایط جدید، گویی دوباره جهان مدرن به ریشه‌های فکری کهن روی آورده است تا چنان که دورکیم بیان می‌کند جهان و جامعهٔ نوین به توده‌یی از انسان‌هایی که تنها و تنها به دنبال خواسته‌ای خود هستند و خود محوری تنها ملاک تلاش آن‌ها است

تبدیل نشود. چه، اگر چنین شود جامعه در خطر فروپاشی قرار خواهد گرفت. پس جامعه نوین برای حفظ خود به خرد نیازمند است. خرد می تواند بشر را یاری دهد تا در کنار تلاش برای رسیدن به سود، در اندیشه نوع بشر و ارزش های اخلاقی و انسانی نیز باشد.

در جامعه ما نیز امروزه بحث جایگاه دین در بسیاری از محافل علمی و دینی و حتی بیش تر سیاسی مطرح است. برخی بر این باورند که دین باید از صحنه سیاست و اجتماع به کنار رود و به پدیده یی فردی تبدیل شود و گروهی معتقدند که دین اسلام به جهت ماهیت اجتماعی اش نمی تواند از مسائل سیاسی و اجتماعی به دور باشد. گروهی به مدد سایر دارند و گروهی به تقویت جایگاه دین. نکته اندوهبار این است که این بحث ها بیش از آن که موضوع مناقشات علمی و دانشگاهی قرار گیرد، به جدال های سیاسی بدل شده است. اما مهم این است که صرف نظر از جدال ها و کشمکش های سیاسی میان سیاستمداران و بازی گران عرصه قدرت، دین و جامعه مسیر خود را پی می گیرد و به همان سستی می رود که جهت حرکت طبیعی یک جامعه اقتضا دارد.

جامعه شناسی که می تواند بسیار در این حوزه فعال باشد در پژوهش های علمی و آکادمیک نقش کم رنگی دارد و به ویژه در حوزه جامعه شناسی دین علی رغم مطالعات بسیاری که انجام شده است، لیکن با توجه به اهمیت موضوع در شرایط کنونی جامعه ایران کافی نیست. آشکار است که برای غنی ساختن جامعه شناسی و به ویژه جامعه شناسی دین توجه به دیدگاه کلاسیک های جامعه شناسی که نقش عمده ای در شکل گیری مکاتب نوین تر دارند بسیار ارزشمند و حتی ضروری است. امروز جامعه شناسی به نوعی تحت تأثیر سنتی است که یا از اندیشه های دور کیم و یا از وبر و مارکس تأثیر پذیرفته است.

امیل دور کیم در این میان جایگاه ویژه ای دارد. وی را می توان به عنوان بنیانگذار جامعه شناسی معرفی کرد. در میان جامعه شناسان کلاسیک وی تنها کسی است که

همه محافل علمی دنیا متفقاً بر جامعه‌شناس بودنش صحه می‌نهند و تردیدی در این نکته وجود ندارد. وی در خصوص نوع تبیین جامعه‌شناسانه و جدا کردن قلمرو تحلیل جامعه‌شناختی از تحلیل‌های سیاسی و روانشناختی کار بسیار ارزنده‌ی انجام داده است. تأکید وی بر پدیده اجتماعی و ویژگی‌های خاص این پدیده و روش خاص مطالعه آن به نوعی اعلامیه استقلال علم نوپای جامعه‌شناسی بود. آنچه وی در کتاب «قواعد روش جامعه‌شناختی» (۱۸۹۵) به عنوان روش پژوهش در این علم معرفی کرده است در کتاب «خودکشی» (۱۸۹۷) خود به اجرا گذاشته است و بدین ترتیب علمی را به همان دانشگاهی شناساند که تا آن زمان چندان پذیرفتنی نبود. پژوهش‌های وی در حوزه دین نیز هر چند ممکن است با انتقاداتی از سوی علمای جامعه‌شناسی و فلسفه‌شناسی مواجهه رو باشد، اما دارای ارزش‌های فراوانی است.

امیل دورکیم، یکی از «متفکران خوشه نبوغ» و به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع جامعه‌شناسی دین شناخته می‌شود. نظرات دورکیم در خصوص دین بسیار گسترده است و علاوه بر آثار اصلی وی، مقالات، مصاحبه‌ها و مطالب دیگری نیز دارد که به فارسی ترجمه نشده‌اند. با توجه به اهمیت جایگاه وی در جامعه‌شناسی و همچنین در جامعه‌شناسی دین، حجم مطالعات و تحقیقات در خصوص آثار وی به زبان فارسی بسیار اندک است.

محور اصلی کار امیل دورکیم، مسئله انسجام اجتماعی است و از این رو دین به عنوان یک سیستم انسجام‌بخش اجتماعی در مرکز توجه وی قرار داشته است. دورکیم جوهر دین را، در تمایز میان پدیده‌های قدسی و پدیده‌های عرفی می‌داند و سازماندهی اعتقادات و باورهای مربوط به امر قدسی، مناسب و آیینی که در این باورها با یک‌دیگر پیوند خورده است، از نظر وی شاخصه مشترک همه پدیده‌های دینی به شمار می‌آید. در تعریف وی «مذهب عبارت است از دستگاهی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور قدسی مجزا - ممنوع. این باورها و اعمال همه کسانی

را که پیرو آنها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا متحد می‌سازد و در صل یک نظام فکری است که افراد جامعه را به وسیله آن به خودشان باز می‌نمایاند و روابط مهم و در ضمن صمیمانه‌شان را با جامعه از این طریق بیان می‌کند» (آرون، ۱۳۹۴: ۱۳۸۱). با این تعریف دین در واقع می‌تواند به صورت آگاهی یا «وجدان جمعی»^۲ نمود پیدا کند. دورکیم می‌نویسد: «آگاهی یا وجدان جمعی برترین شکل حیات روحی است، زیرا آگاهی آگاهی‌ها است» (دورکیم ۱۹۸۳: ۶۱۵) و در اندیشه دورکیم، نیروهای دینی عناصر اساسی را که از آنها ساخته شده‌اند از آگاهی یا وجدان وام می‌گیرند.

در آثار ایل دورکیم می‌توان به نقش دین همچون آرمان‌پردازی^۳ و اندیشه‌پردازی^۴ معنیزد خود به نظر دورکیم ایده‌آل سازی سیستماتیک از خصوصیات ذاتی ادیان است. در «فلسفه و جامعه‌شناسی» دورکیم بیان می‌دارد که «اگر انسان آرمان‌هایی را سرزده می‌یروند و همچنین اگر می‌تواند از این کنش ذهنی فراتر رود و خود را به آرمان‌ها نزدیک گرداند، از آن رو است که موجود اجتماعی است. این جامعه است که او را مجبور می‌سازد و یا بدان سو می‌کشاند که بدین‌سان از خویشتن فراتر رود و والایش ببیند و باز همین جامعه است که ابزار و وسایل انجام این کار را برای آدمی فراهم می‌سازد. جامعه تنها از طریق وجدان یافتن به خویش است که می‌تواند فرد را از خویشتن فراتر برد و او را به فراخنای حیات عالی‌تری هدایت کند. جامعه در بنای خویش کامیاب و پیروز نخواهد شد مگر آن‌که به آفرینش آرمان بپردازد. حیات اجتماعی در وجود انسان‌ها و در چهره اندیشه‌ها است. هنگامی که جامعه را از دیدگاه پاره‌ای کارکردهای خویش همچون جسمی سازمان‌یافته می‌پندارند، در واقع از قدر و ارزش آن می‌کاهند. در این جسم روانی وجود دارد و این روان همانا آرمان‌های جمعی است. این آرمان‌ها چیزهای انتزاعی و تجلیات بی‌حرارت معنوی نیستند که از هر گونه تأثیر و کاربرد بی‌بهره باشند. آن‌ها به

2. Conscience collective

3. idealisation

4. Ideation

گوهر خویش جنبش‌زایند، زیرا در پشمان نیروهای واقعی و برانگیزاننده وجود دارد. این نیروها، نیروهای جمعی هستند.» (دورکیم، ۱۳۶۰: ص ۱۳۱)

«امیل دورکیم برای یافتن قوانین آرمان‌پردازی به مطالعهٔ دین و تحلیل پدیده‌های دینی به عنوان عناصر اصلی نظام عقاید و باورهای مشترک می‌پردازد و به یک تمایز اساسی اشاره می‌کند. این تمایز عبارت است از میان ایده‌ها (عقاید) و نیروها (امال)» (شریعتی، ۱۹۸۳): «کارکرد واقعی مذهب این نیست که ما را به اندیشیدن وارد و قوهٔ شناخت ما را تغذیه کند، بلکه کار مذهب این است که ما را به عمل وادارد و به ما کمک کند که زندگی کنیم.» دورکیم توضیح می‌دهد که دین تنها سیستم عقاید و باورها نیست. دین پیش از هر چیز یک سیستم نیروها است. زندگی دینی در برگیرندهٔ وجود نیروهای بسیار خاص و ویژه است. این نیرو است که کوه‌ها را از جا برمی‌کند و موجب زمین‌لرزه و جنبش آدمی می‌شود: «نقش دین عبارت است از واداشتن ما به عمل و حرکت کردن به ما برای زیستن.» (دورکیم، ۵۷۷: ۱۳۸۳) این نکته از نظر دورکیم کاملاً درست است که انسانی که زندگی مذهبی دارد گمان می‌کند که در نیرویی که بر او حاکم است، مشارکت دارد و از آن بهره‌مند است. نیرویی که در عین حال حمایتش می‌کند و بر او اطمینان را به فراسوی خویشستن خویش فرامی‌خواند. در یک کلام، شاخصهٔ مذهب، تأثیر حرکت‌زایی است که بر وجدان انسان‌ها دارد، انسانی که زندگی مذهبی دارد، از زمان بابت که جهان را به این یا آن شکل تصور کند، بلکه بیش از هر چیز که انسانی است که در خود قدرت و نیرویی احساس می‌کند که زمانی که در حالت مذهبی نیست، در خود احساس نمی‌کند. از دیدگاه دورکیم زندگی دینی در برگیرندهٔ نیروهای خاصی است که زندگی مادی مشتمل بر آن نیروها نیست.

نظریات امیل دورکیم، سهم بسیار برجسته‌ای در جامعه‌شناسی مدرنیتهٔ دینی داشته است و مرجع پژوهش‌های بسیاری در خصوص ادیان سکولار قرار گرفته است، ادیانی که از نظر برخی چون ریمون آرون همان نقشی را در جوامع مدرن داشته که

دین سنتی در جوامع مدرن ایفا می‌کند.